



پویا

نشریه کارگری پویا

امنیت مشاغل حق مسلم ماست

kargaran_pooya@yahoo.com

شماره 15

نشریه کارگری پویا

21 مهر ماه 1386

در این شماره میخوانید :

- سرمقاله
- اعدام بس
- شعر و ادبیات
- آماري تکان دهنده
- شعر و ادبیات
- عاطفه ها و مرگ

زندگی آری

مرگ نه اعدام نه



راستی اعدام آری یا نه ...

به راستی انسان با هر گناهی که مرتکب شده است شایسته است که از نعمت زنده بودن و زندگی محروم شود ؟

شاید بگوئیم که این جزو قوانین اسلام است اما مگر در اسلام هم قوانین با توجه به زمان و تغییر و تکمیلتر نشده است ؟ مگر هنوز مانند دوران صدر اسلام بردگان و غلامان و کنیزان به فروش میرسند ؟ یا هنوز هم خمس و زکات به گوسفند و گاو و شتر است ؟ یا هنوز با شمشیر جنگ ها صورت میگیرد؟ و هزاران تغییر دیگر که انجام شده است پس چرا هنوز در قوانینی که با انسانیت و حقوق انسانها در این دوران مناقات دارد مانند دوران جاهلیت رفتار می شود قوانینی مانند ارث زن ، دیه زن ، قصاص ، قطع هم زمان دست و پا به طور متضاد هم قطع انگشتان دست ، شکنجه ، سنگسار و اعدام هم که در صدر آنها است .

این حق که کسی اعدام شود یا حق حیات داشته باشد در دست کیست جز حاکمان ؟ مگر نه اینکه همیشه حاکمان برای اعمال زور و فشار بر مردم از این ابراز سرکوب و وحشت استفاده میکنند ، پس قانون حق حیات انسانی چه میشود ، چرا هنوز سایه شوم این حکم بر سر مردم و انسانیت قرار دارد و چرا حاکمان از این ضد انسانی ترین حکم تاریخ برعلیه مردم و مخالفین خود استفاده میکنند .

با نگاهی از گذشته تا کنون به یقین دلیل اعدام ها میتوان برای استمرار حکومت مستبد بر مردم دانست در اصل این قانون برای حفظ و مصونیت جامعه از زیانهای بزرگ و عمده و عمومی به منافع مردم بوده یا در پاسخ به یک جرم بزرگی که به مردم زیان فراوانی رسانده و یا برای قتل های

عمدی که با کینه و غرض ورزی بوده چون ضامن بقا و استمرار آنها است.

بعضی مستبدان دلیل استمرار اعدام را جلوگیری از بزه و پیشگیرانه میدانند اما این استدلالی به غایت اشتباه است چون همه میدانند که انسانها با دیدن صحنه هایی به آن عادت میکنند و به قولی به نوعی از شقاوت میافتند که دیگر دیدن و شنیدن اعدام در نظرشان از بار تقییح و نکوهیده بودن میافتد . این را حاکمان هم میدانند پس چرا هنوز ادامه میدهند : این دولت ها چون دارای مشروعیت مردمی نیستند و توان پاسخگویی به مشکلات و معضلات مردم و جامعه را ندارند و به همین نسبت هم توان خاموش کردن مخالفین خود را ندارند پس بهترین و سریعترین و ساده ترین راه را بر میگزینند یعنی کشتن و ترور فیزیکی و جسمی مخالفین و اتفاقا برای ترساندن توده مردم و ترور شخصیت آنها ، بر پای اعدام های علنی و چوبه های دار دسته جمعی . این است دلیل اصلی اعدام ها .

حال در جمهوری اسلامی برای مشروع کردن این قتل انسان و انسانیت پوشی از دین و احکام دین و اسلام بر آن زده میشود .

پس اعدام بیشتر يك سرکوب سياسي است تا اجتماعی و این را تمام جوامع بشری پی برده و به وسیله قانون و حقوق سعی در مهار دست مستبدان و حاکمان در اعمال آن دارند و طبق قوانین حقوق بشری باید در تمام جوامع دنیا منسوخ شود .

درکشورهایی که اعدام منسوخ اعلام شده به تاکید دیده شد که آمار بزهکاریها و جنایات پایین آمد و اگر جرم را يك جنایت و گناه و عمل شیطانی نگاه نکرده بلکه آن را عملی برگرفته و ناشی از معضلات و دردهای اجتماعی دانست و مجرم را نه يك گناهکار شیطان صفت و ... که مستوجب کیفر و مرگ و شلاق و ... بلکه فردی معلول ناهنجاریهای جامعه دید ، آنوقت میتوان به سوي پیدا کردن و حل این ناهنجاریها رفته و علت را در جامعه از بین برد نه معلول را .

پس وظیفه بشری و انسانی هرکس این است که در مقابل این قانون بایستد و جلوی انجام آن را بگیرد تا حق حیات را که خود خداوند به هر موجود و انسانی داده است را حفظ کرده و برعکس فنا کنندگی ، خالق بودن و تاثیر گذاری و بهبود جامعه و به تکامل رساندن جامعه بشری را اثبات کرد .

پس زندگی آری ، مرگ و اعدام نه...



گیرم که در باورتان به خاک نشستم
با ریشه چه میکنید؟!

امروز من ...

فردا دوست تو ...

آیا فرداهای بعدی نوبت تو و فرزندان تو است ؟؟؟

پس نه به مرگ و اعدام

زندگی آری

۱۸ مهر

اعتراض علیه اعدام

به پا خیزیم



در پیاده رو جهان / من يك میهنم / که مرگ عمومی / درخشگرود
رگام جاری است / و بر جدار بناهایم / شیارهای خشم



ای ساکت! ای بشریت! / من يك وطنم / سقوط کرده از آسمان خراش
شقاوت / با پنجه‌های مرده ولی / هنوز....



من چنگ می‌زنم / بر چکمه شقاوت حاضر. / بر شیشه نگاه ساکت
بشریت.



رنجنامه نسل ما



چون چشم گشودیم در پس بالا رفتن بیرقهای سیاه، باز چوبه
های دار بود که رقص مرگ را به جنبش می آورد.

پیش از آنکه سحرگاه پرده از رخسار شب برکشد، دست
بیدار، يك کهکشان ستاره را یکجا در يك وجب گور به خروارها
خاک سپرد تا قبح این جنایت از دیده‌ها نماند و آن گاه
خاوران يك پهنه گشت از اشک و ماتم و بر ستارگانی که حتی
بی خشت گور دفن شدند.

و بار دیگر چه قلم‌ها که شکستند، چه انسانها که به جرم
آگاه بودن و آگاه ساختن سلاخی شدند و چه چشمها که
حتی در درون سلول‌های انفرادی هم چشم بند زده شدند تا
شاید انسانها، حق، عدالت و آزادی را از یاد ببرند.

هر حرکت و صدای هر اجتماع و گروه، هر نماد و هویت مستقل
انسانی را دشمن امنیت خواندند تا انسانها با فراموش کردن
انسانیت خود تبدیل به ماداتی مطیع و بی اراده شوند.

اما ایرانی زنده است. حیات انسانی ما در ایستادگی مان
خلاصه میشود. ما با اعتراضاتمان بر هر چه ظلم و نابرابری و
حق‌کشی است این رنجنامه‌ی خون‌نوشته را به فتح‌نامه
ای مبین تبدیل خواهیم کرد



18 مهر، روز ائتلاف جهانی بر ضد مجازات اعدام

چهارشنبه 10 کتبر (18 مهر)، روز جهانی بر ضد مجازات اعدام، "ائتلاف جهانی بر ضد مجازات اعدام (Coalition mondiale contre la peine de mort)"، مرکب از سازمان های دفاع از حقوق بشر، قرار بود با برگزاری یک کنفرانس مطبوعاتی در مقر سازمان ملل متحد در نیویورک، به تلاش دیگری در راستای چهار دهه مبارزه مدافعان حقوق بشر در تحقق لغو جهانی مجازات اعدام دست می یازند.

ثمره این کوشش ها و مبارزه ها از یکسو لغو قانونی یا عملی مجازات اعدام در 130 کشور از 192 کشور عضو سازمان ملل متحد است و از سوی دیگر تسلیم طرح قطعنامه ای از سوی این ائتلاف جهانی به دبیر کل سازمان ملل مبنی بر توقف قانونی (Moratoire) مجازات اعدام در همه کشورهای جهان.

تصویب این قطعنامه در دستور کار اجلاس کنونی مجمع عمومی سازمان ملل گذاشته شده و قرار است که از روز 10 اکتبر به بحث گذارده شود.....
با امید به اینکه این قانون ضد انسانی در تمام کشورها چه قانونی و چه عملی و عرفی برچیده شود.

وضعیت اعدام در ایران

گزارش سال 2007 "فعالین ایرانی دفاع از حقوق بشر در اروپا و امریکای شمالی":

به مناسبت هیجدهم مهر (10 اکتبر) روز جهانی مبارزه با اعدام و در جهت انعکاس اخبار نقض گسترده، مستمر و برنامه ریزی شده حقوق بشر در ایران، "فعالین ایرانی دفاع از حقوق بشر در اروپا و امریکای شمالی" گزارش سالانه خود را پیرامون وضعیت اعدام در ایران به شرح زیر به اطلاع عموم می رسانند.

این گزارش در برگزیده مشخصات افرادی است که در فاصله زمانی مهر ماه 1385 (اکتبر 2006) تا شهریور 1386 (سپتامبر 2007) در ایران حکم اعدام در مورد آنها صادر و یا اجرا شده است. اطلاعات مندرج در این گزارش عمدتاً مبتنی بر اخبار خبرگزاریها، روزنامه ها و سایت های خبری متفاوت داخل کشور و برخی منابع خارج از ایران است. با توجه به سانسور خبری حاکم بر منابع داخل کشور و عدم انتشار و یا انتشار ناقص خبرهای مربوط به اعدام شده گان و محکومین به اعدام؛ این گزارش منعکس کننده بخشی از موارد اعدام در ایران است.

گزارش موجود حاوی دو لیست "اعدام شده گان" و "منتظرین اجرای حکم اعدام" به شرح زیر است:

اعدام شده گان (لیست شماره 1):

بنا بر این لیست

• مجموعاً حکم اعدام 265 نفر در فاصله زمانی یاد شده به اجرا در آمده است. که نسبت به سال قبل 140 درصد افزایش را نشان میدهد.

• 34 نفر از آنها زن هستند.

• 34 نفر زندانی سیاسی بوده اند. که تعداد آنها حدود شش برابر سال قبل است.

• اعدام در ملاء عام نسبت به سال گذشته بیش از دو برابر افزایش داشته است که به 100 مورد بالغ می گردد.

یک نفر از محکومین به اعدام در ملاء عام سنگسار شده است.

از 77 نفر از اعدامیان که سنشان در این گزارش آمده است؛

- 47 نفر آنها تا 30 سال سن و 30 نفر آنها از 30 سال

به بالا هستند. بالاترین سن فرد اعدام شده 65

سال است.

- اطلاعات در باره هویت 57 نفر از آنها بطور ناقص

بدست آمده است.

منتظرین اجرای حکم اعدام (لیست شماره 2):

بنا بر این لیست؛

218 نفر منتظر اجرای حکم اعدام هستند، که حکم

اعدامشان در فاصله زمانی این گزارش صادر شده است.

ضمناً طبق اطلاعات بدست آمده، حکم اعدام 39 نفر دیگر -

که از سالهای پیش حکم اعدام دریافت کرده بودند - مجدداً

به تایید دیوان عالی کشور رسیده است. قابل ذکر است که

اسامی این افراد در این لیست موجود نیستند.

نسبت تعداد صدور احکام اعدام در مقایسه با سال قبل 60

درصد افزایش داشته است.

11 نفر به سنگسار محکوم شده اند.

26 نفر از آنها زن هستند.

5 نفر زندانی سیاسی اند.

• از میان 98 نفر که در مورد سنشان اطلاعاتی موجود بوده

است؛ 4 نفر زیر 18 سال سن، 63 نفر بین 18 تا 30 سال و

31 نفر بالاتر از 30 سال سن دارند. لازم به ذکر است که 7

نفر هنگام ارتکاب جرم زیر 18 سال سن داشته اند.

• اطلاعات در باره هویت 76 نفر از آنها بطور ناقص بدست

آمده است.

آری آماري است تکان دهنده اما گویا



این حکم بنا به کیفر خواست رئیس دادگستری نکا (حاجی رضایی)، تأیید دیوان عالی کشور و موافقت رئیس قوه قضائیه (شاهرودی) انجام شده است. گواهی خلاصه رونوشت فوت سازمان ثبت احوال به شماره (9/348635 / ف) روز فوت را ۲۵ مرداد ۱۳۸۳ عنوان می کند.



هرگز از مرگ نهراسیده ام ،

اگر چه دستانش از ابتدال شکننده تر بود ،

باری هراس من از مرگ در سرزمینی ست که :

مرد گور کن افزون از بهای زندگی آدمی باشد.

گر بدین زیست باید پست ،

من چه بی شرمم اگر فانوس عمرم را نیاویزم ،

بربلند کاج خشک کوچه ی بن بست.

گر بدانسان مرد باید پاک ،

من چه ناپاکم اگر نشانم از ایمان خود چون کوه ،

یادگاری جاودانه ، برتر از این بی بهای خاک.

احمد شاملو

همچنانکه ملاحظه فرمودید قتل فجیع و غیر انسانی عاطفه رجیبی به دلیل سرپوش گذاشتن بر تجاوز و شکنجه کردن عاطفه رجیبی توسط سروان ذبیهی ، سروان مولایی و نیز قاضی شرع ! حاجی رضایی بوده و در کل برای سرپوش گذاشتن بر تمامی کاستی هایی بوده که طبقه حاکم بر زندگی عاطفه رجیبی تحمیل کرده بوده است .

ایرج شهبازی (شوق رهایی)



ماجرای اعدام عاطفه رجیبی را بخاطر می آورید ، دختر ۱۶ ساله مورد تجاوز قرار می گیرد و برای جلوگیری از اعلام اسمشان توسط دختر ۱۶ ساله ، او را بطور قانونی و در جلوی چشمان بهت زده بسیاری اعدام می کنند ، گوشه ایی از جنایت را یاد آوری می کنم :

سپیده دم یکشنبه ، ۲۵ مرداد ماه ۱۳۸۳ خورشیدی برابر با ۱۵ اوت ۲۰۰۳ ، ساعت ۶ صبح ، کودک ۱۶ ساله ایی به نام عاطفه رجیبی ، فرزند قاسم ، در فقدان مادر مرحوم (بی بی راعی) ، به جرم نداشتن معیشت ، به جرم کودک طلاق بودن در ایران اسلامی ، به جرم زندگی کردن برای مدتی در مراکز بهزیستی مشهد ، به جرم از دست دادن مادرش در یک تصادف در آغاز زندگی ، به جرم دوره گرد و کارگر آجر پزی بودن پدرش ، به جرم نگهداری از مادر بزرگ و پدر بزرگ پیرش ، به جرم پرتاب کردن حجابش به سوی قاضی شرع حاجی رضایی ، به جرم مورد تجاوز قرار گرفتن از طرف علی دارابی ، سروان ذبیهی ، سروان مولایی ، قاضی حاجی رضایی و افراد دیگری که به عنوان ع. ا.د. (۵۰ ساله) و ع. د. (۴۵ ساله) معرفی شده اند ، به جرم شکنجه شدن توسط قاضی شرع - حاجی رضایی و به جرم ۱۶ سال زندگی نکیت بار تحمیلی به او توسط طبقه حاکم تا لحظه مرگ ، بدون محبت مادر و بدون مراقبت پدر، در شهرستان نکا در استان مازندران، در خیابان ۳۰ متری واقع در خیابان راه آهن (نواب صفوی) توسط طبقه حاکم و با طناب دار اعدام شد، در صحنه جنایت پیرمردی به نام موسی غش کرد و جان به جان آفرین تسلیم گفت.

طناب اعدام توسط متجاوز و شکنجه گرش قاضی شرع! حاجی رضایی به گردن او انداخته شد و با جرثقیل به بالا کشیده شد ، حکم حکومتی اجرا شد . قاضی حاجی رضایی ، سروان ذبیهی و سروان مولایی سه جنایتکار پس از بازداشت ، اذعان کرده اند که " برای جلوگیری از افشای نام خود توسط عاطفه برای اجرای چنین حکمی تلاش کرده اند و آنگاه با گرفتن استشهاد محلی این عمل خود را وجهه قانونی تر داده اند. "

قاضی حاجی رضایی هنگام به دار کشیدن عاطفه رو به حاضرین می گفت : او بخاطر زبان تندش اعدام می شود.